

۲۴ - (سنجش ۱۴۰۳ - غره: ۵/۰)

شاعر، در بیت زیر، زیبایی‌های طبیعت را نتیجه چه چیزی می‌داند؟
 «فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک»

ادبیات غنایی



در این فصل متن‌های «مهر و وفا»، «جمال و کمال» و «بوی گل و ریحان‌ها» را می‌خوانیم. موضوع این متن‌ها، بیان عواطف و احساسات شاعر یا نویسنده درباره دوستی، محبت، عشق، شادی و برخی مفاهیم عمیق عرفانی است. به آثاری که چنین درون‌مایه‌ای دارند، «ادبیات غنایی» گفته می‌شود.

ادبیات غنایی، اشعار و متونی است که احساسات، عواطف شخصی، حالات عاشقانه و امید و آرزو را با زبانی نرم و لطیف بیان می‌کند. در ادبیات فارسی، موضوع‌های غنایی با مفاهیمی همچون: عشق، عرفان، مرثیه، مناجات و گلایه و شکایت، معمولاً در قالب‌های شعری غزل، مثنوی و رباعی و نیز در قالب نثر نوشته می‌شود. ادبیات عرفانی ما که بسیار غنی و گسترده است، در حوزه ادبیات غنایی قرار می‌گیرد.

درس ششم: مهر و وفا / گنج حکمت: حقه راز

سودا: اندیشه، هوس، عشق سودای کاری گرفتن کسی را: هوس کاری به سر کسی زدن 	حدیث: ماجرای روایت، سخن 	حقیقه: محفظه کوچکی که دری جداگانه دارد و برای نگهداری اشیای گران بها به کار می رود، جعبه، صندوق 
	معاش: زندگی، زیست، زندگانی کردن 	صبا: بادی که از طرف شمال شرقی وزد؛ باد بهاری 

۲۵- (سنجش ۱۴۰۳-عمره: ۰/۲۵)

در گزاره های زیر، واژه های را که درست معنی شده است، مشخص کنید.

الف) و لیکن به ایشان مولع مباش. (مولع: خشنود)

ب) شفق، آینه دار نجابت (نجابت: اصالت)

پ) بر دولت آشیان شما نیز بگذرد (دولت آشیان: خوش بخت)

ت) بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خذلان (خذلان: لرزش)

ث) خواست کز آن ورطه قدم در کشد (ورطه: سراب)

۲۶- (سنجش ۱۴۰۳-عمره: ۰/۲۵)

در بیت زیر، شاعر با خلق کدام آرایه ادبی، «غم ندیدن سرو» را توجیه ادبی می کند و با بیان علتی دروغین، آن را در

چشم مخاطب، دلپذیر می نماید؟

«چو سرو از راستی برزد غلم را ندید اندر جهان تاراج غم را»

(۱) هر کسی عشق نیست

(۲) زندگی نیک < عالم بالا در شرایط سخت

مهر و وفا

درس ششم

(۳) عاشق به معشوق

انسان < الهی

۱ هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد
خداش در همه حال از بلا نگه دارد(۱) حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست
که آشنا سخن آشنایا نگه دارد(۲) دلا محاش چنان کن که گر بلغزد پائی
فرشته‌ات به دو دست دعا نگه داردگرت خواست که معشوق گنجد پیمان
نگاه دار سر رشته تا نگه داردصبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی
ز روی لطف بگویش که جا نگه داردچو گفتمش که دلم را نگاه دار، چه گفت؟
دست بنده چه خیزد، خدا نگه داردسر و زر و دل و جانم فدای آن یاری
که حق صحبت مهر و وفا نگه داردغبار راهگذارت کجاست تا حافظ
به یادگار نسیم صبا نگه دارد

< نهایت عاشق

حافظ

بیت (۱) هر کس حامی وفاداران باشد (رعایت حال یاران متعهد را بکند)، در هر شرایطی پروردگار او را از اتفاقات بد دور می‌دارد.

بیت (۲) یار را فقط نژد یار بیان می‌کنم زیرا فقط آشنای محرم را زردار سخن یار آشنای خود است.

بیت (۳) ای روح انسان، طوری کن که چنانچه در معرض خطایی قرار گرفتی فرشتگان پا دعای خود حافظت باشند.

بیت (۴) اگر می‌خواهی که معشوقه‌ت پر سر عهد و پیمان خود پا تو بماند به او متعهد باش تا رابطه‌تان حفظ شود.

بیت (۵) ای اگر دل (گمشده‌ی) مرا در زلف (نژد) یارم یافتی، مهربانانه به او بگو که همان جا بماند.

بیت (۶) وقتی که به او (یار) گفتم دلم را نژد خود حفظ کن (می‌دانی) چه گفت؟ گفت: من ندارم، خدا باید آن را نژد من نگاه دارد.

بیت (۷) جان و مال و روحم را فدای دوستی می‌کنم که هم‌نشینی عاشقانه را حفظ می‌کند.

بیت (۸) حافظ خاک قدم تو را جستجو می‌کند تا آن را به یادگار از یاد موافقی که آن را آورده است نژد خود نگه دارد.

قلمرو زبانی

○ نقش ضمائر پیوسته (متصل):

* ضمائر پیوسته (متصل) عبارتند از: مَ / تَ / شَ / یَ / تان / شان

* نقش‌هایی که می‌توانند بپذیرند:

مفعول:؟ + فعل	}
مضاف‌الیه: بعد از هسته (ـِ)	
از / به / با / در / بر / برای	
ادات تشبیه	
متمم: بعد از حروف	
بهر / از بهر / از برای	}
جز / مگر / حتی / الا	
بدون / به جای / درباره	

✧ **توجه:** برای تشخیص سه نقش بالا باید ضمائر پیوسته را به شکل ممکن نماییم.

– «خداش در همه حال از بلا نکه دارد» ←

– «گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان» ←

– «ز روی لطف بگویش که جانگه دارد» ←

– «فرشته‌ات به دو دست دعا نکه دارد» ←

– «سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری» ←

– «غبار رهگذارت کجاست تا حافظ» ←

– «چو گفتمش که دلم را نگاه دار، چه گفت؟»

..... ← ←

قلمرو ادبی

ایهام:

استفاده از واژه یا عبارتی که در سخن تعبیر و معنای متفاوت از آن قابل برداشت باشد.

«گفتم که بوی زلف گمراه عالمم کرد گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید»



«چو سرو از راستی برزد غلم را ندید اندر جهان تاراج غم را»

۲۷- (نهایی ۱۴۰۳- غره: ۲۵/۰)

نقش ضمیر پیوسته در کدام گزینه متفاوت است؟

- الف) که دوستان اگر دم دل دهند، جان ندهند
ب) فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد
ج) ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد
د) پیاده پیام‌وزمت کارزار

۲۸- (نهایی ۱۴۰۳- غره: ۲۵/۰)

کدام گزینه کامل کننده مصراع زیر است؟

- چه زنم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم
الف) متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را؟
ب) که لسان غیب خوش‌تر بنوازد این نوا را

۲۹- (نهایی ۱۴۰۳- غره: ۵/۰)

خواجه نظام الملک در عبارت «شهر را از عدل، دیوار کن و راه‌ها از ظلم و خوف پاک کن، که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ» چه چیزی را لازمه امنیت پایدار در مملکت دانسته است؟

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱ معنای واژه‌های مشخص شده را با کاربرد آنها در متن درس مقایسه کنید.
- ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست (در حضرت کریم تمنا چه حاجت است) حافظ
 ■ تعلیم ز آره گیر (در امر معاش در خواست نمی‌کنیم) پیرمندی و بخشندگی
 ■ در جمله، ضمایر پیوسته (متصل) در سه نوع نقش دستوری ظاهر می‌شوند: ایثار و فداکاری

الف) مفعول:

- نمونه: ای صبح‌دم، بین که کجا می‌فرستم نزدیک آفتاب وفا می‌فرستم خاقانی
- نقش:
 آرایه:
- می‌فرستم (تو را می‌فرستم) ← ت (تو): مفعول
- «در بطلب هر آنچه خواهی»
 آن که عمری می‌دویدم در پی اوسوبه‌سو ناگهانش یافتم با دل نشسته روبه‌رو شمس مغربی
- ناگهانش یافتم (او را یافتم) ← ش (او): مفعول

ب) متمم:

- سفرارش به نصیحت پذیری نمونه: گوش کن پند، ای پسر، ز بهر دنیا غم مخور
- گفتمت چون در حدیثی گر توانی گوش داشت زمان:
 گفتمت (به تو گفتم) ← ت (تو): متمم
- چو یار نیست به تسکین خلق نتوان زیست که دوستان اگر دل دهند، جان ندهند امیر خسرو دهلوی
 اگر دل دهند (اگر به من دل دهند) ← م (به من): متمم
- پ) مضاف الیه:
- زیبایی و شیرینی عالم گیر (حسن به اتفاق ملاحه جهان گرفت) آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت حافظ
 حُسن (حُسن تو) ← ت (تو): مضاف الیه
- لاله دیدم، روی زیبای تو آمد به یاد شعله دیدم، سرکشی‌های تو آمد به یاد رهی معیری
 آمد به یاد (یاد من) ← م (من): مضاف الیه
- در شعر «مهر و وفا»، نمونه‌ای از کاربرد ضمایر متصل بیابید و نقش دستوری آن را مشخص کنید.

۳۰- (سنجش ۱۴۰۳ - طره: ۵/۰)

با توجه به بیت زیر، به پرسش‌های داده شده پاسخ دهید.
 «آب آجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد»
 الف) مصراع اول را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.
 ب) نقش دستوری «گلوگیر» را بنویسید.

قلمرو ادبی

- ۱ در متن درس، دو نمونه «مجاز» بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.
- ۲ در ادبیات فارسی، شاعران یا نویسندگان، واژه «صبا» را در کدام مفهوم نمادین به کار می‌برند؟
- ۳ هرگاه، در عبارت یا بیتی، یک کلمه‌ای به چند معنا به کار رود، آرایه «ایهام» پدید می‌آید. ایهام، از ریشه «وهم» و به معنای «به تردید و گمان افکندن» است؛ همان‌طور که در مصراع «بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است» کلمه «مهر» در دو معنای مختلف «خورشید» و «محبت» به کار رفته است.
 بیت زیر را از نظر کاربرد آرایه «ایهام» بررسی کنید.

..... شکنی لازمه

..... (گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد) گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید) به هدف رسیدن عاشق است) حافظ

نقش

نقش

نقش

قلمرو فکری

- ۱ با توجه به متن درس، حافظ، شرط وفاداری معشوق را در چه می‌داند؟
- ۲ بیت زیر، با کدام قسمت از سروده حافظ، ارتباط مفهومی دارد؟
 تانگردی آشنا، زین پرده رمزی نشنوی گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش) حافظ عشق
- ۳ از کدام بیت درس، می‌توان مفهوم آیه شریفه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» را دریافت؟

۴

گنج حکمت حقه راز

نکته ای پر من آشکار کنی

روزی یکی نزدیک شیخ آمد و گفت: «ای شیخ آمده‌ام تا از اسرار حق چیزی با من نمایی.»
شیخ گفت: «باز گرد تا فردا.»
آن مرد باز گشت.

شیخ بفرمود تا آن روز، موشی بگرفتند و در حقه کردند و سر حقه محکم کردند.
دیگر روز آن مرد باز آمد و گفت: «ای شیخ، آنچه وعده کرده‌ای، بگوی.»
شیخ بفرمود تا آن حقه را به وی دادند و گفت: «زینهار، تا سر این حقه باز نکنی.»
مرد حقه را برگرفت و به خانه رفت و سودای آتش بگرفت که آیا در این حقه، چه سر است؟
هر چند صبر کرد نتوانست. سر حقه باز کرد و موش بیرون جست و برفت.

مرد پیش شیخ آمد و گفت: «ای شیخ، من از تو سرّ خدای تعالی طلب کردم، تو موشی به من دادی؟!»
(شیخ گفت: «ای درویش، ما موشی در حقه به تو دادیم، تو پنهان نتوانستی داشت؛ سرّ خدای را با تو بگوییم، چگونه نگاه خواهی داشت؟!»)

..... بودن اسرار الهی

اسرار التوحید، محمد بن منور

